

تصور جمعی
جامعه ایرانی از
رزمنده‌ای که
در مسیر اتصال
حقیقت آسمانی
به واقعیت زمینی
شهید شد، تقدیر
آینده سیاست ایران
و بنابراین خود ایران
را شکل می‌دهد.

نیروی پنهان، که هدایت می‌کند و تغییر می‌آفریند، همواره در متن سیاست ایران وجود خواهد داشت. رمز ماندگاری و مهم‌تر از آن، ایجاد کنندگی قداست دفاع از کشور، نه صرفاً دفاع از کشور، در سیاست ایران و در انتخاب‌های مهم سیاسی مردم، چیزی که در انگاره بسیجی شهید مضبوط است، در آن است که کارکرد ایده رزمنده شهید برای جامعه ایرانی در واقع انتقالی از تاریخ حیات فرهنگی در ایران به سوی حالیه سیاست ایران است. خاطره یا داستان بسیجی شهید روح دوران جدید سیاست ایران و همزمان، سنگ بنای آن است.

به طور کلی در ایران امروز، دانایی بزرگ می‌تواند درک انسان جدیدی باشد که واقعه‌گون در بهمن ۱۳۵۷ آفریده شد؛ انسانی که در متن یک «اراده عمومی» برای اتصال به حقیقت یا حضور در پیشگاه انسان کامل ظاهر شد. نام این اراده عمومی فراگیر را ایده ۵۷ می‌گذاریم. مهم نیست که ما این اراده عمومی دوران ساز را اغلب از یاد می‌بریم، این مهم است که براساس آگاهی مبنایی خود، دایر بر عظمت نهفته انقلاب ۵۷، بیندیشیم که با واقعه انقلاب ایران چه انسانی پدید آمد و چگونه او، «ما»ی جدید را آفرید. بسیجی در پرتو واقعه (رخداد) درک می‌شود. واقعه در استقلالش از امر تاریخی، از تاریخ مشخص می‌شود؛ محصول شرایط تاریخی نیست و به قولی امر نابهنگام است.^۲

بسیجی نیز در قالب یک درک تاریخی، درکی متعلق به یک زمانه یا شرایط خاص، تعریف نمی‌شود. او در عمل انقلابی و نظامی‌اش تمام نمی‌شود، بلکه از آن آغاز می‌شود.

اگر بسیجی، خاصه هنگامی که به شهادت پیوند می‌خورد، انسان ویژه یا یگانه تجسم بخش پیام‌های انقلاب اسلامی باشد، پس او انسانی است که فلسفه یا دلیل آغاز سیاست و اجتماع جدید ایران را در خود نهفته دارد؛ از این رو باید نتیجه گرفت که رمز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی و شرط تداوم یا زوال آن، در عقاید، ترجیحات، گسست‌ها، پیوست‌ها و خلاصه در زندگی و مرگ همین انسان نوعی، انسان تراز نوین انقلاب اسلامی، نهفته است.

از آثار عینی و نتایج سیاسی این انسان آرمانی ایرانی، این اراده‌گر به چیز بزرگ - که با انقلاب به بود رسید، با جنگ تحمیلی به نمود و با مرگ به خلود - نباید چشم شست. جاودانگی دنیوی یا خلود این جهانی رزمنده آرمان‌گرای شهید در جامعه و بنابراین در سیاست ایران موضوعی به حق شایسته تعمق بیشتر است. اگر به این مهم پرداخته نشود، جامعه ایرانی بی‌خاطره می‌شود و دلیل هستی جدید آن و شرایط کنونی‌اش ناگفته، و درست‌تر، بدون تعقل باقی می‌ماند. اگر نسبت جامعه متأخر ایرانی با تجربه جنگ تحمیلی بررسی نشود، تمایل شدید این جامعه و نسل‌های جدیدتر آن به اشتغال و اتصال به هویت خود یا ظهور جدید هویت خود اجابت نمی‌شود.

چنان‌که با مرگ قهرمان، فرد به انگاره‌ای جاودانه یا داستانی ماندگار بدل